



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

نه به نویلبر الیسم



نه به نئولیرالیسم

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر سید یاسر جبرائیلی
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: نه به نتولیرالیسم

سخنران: دکتر سیدیاسر جبرائیلی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: اقتصاد ایران، تورم، نقدینگی، دلاری سازی، اقتصاد نتولیرال

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۲۰۱۶۲۳

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۲..... ریشه تورم در ایران: نقدینگی یا تقاضای بیش از حد
- ۲..... تورم جاذبه تقاضا
- ۳..... رابطه نقدینگی و تورم
- ۳..... نرخ رشد نقدینگی به تولید ناخالص داخلی: مقایسه‌ای جهانی و چالش‌های ایران
- ۴..... راز تورم: نقدینگی بالا یا داستانی دیگر
- ۵..... تورم فشار هزینه چیست؟
- ۵..... نقش نرخ ارز در تورم فشار هزینه
- ۶..... رابطه جهانی نفت و تورم
- ۷..... دلاری‌سازی اقتصاد ایران: فاجعه‌ای که تورم را منفجر کرد
- ۸..... دلاری‌سازی: تله‌ای که تورم را دوچندان کرد
- ۸..... تفاوت قبل و بعد از دلاری‌سازی
- ۹..... تورم افسارگسیخته: نتیجه سوءمدیریت و رانت‌خواری
- ۹..... دلار، ریشه اصلی تورم؟
- ۹..... تحولات مهم ارزی و تاثیر آن بر سود شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی
- ۱۰..... نقطه عطف: سال ۱۳۹۷ و نرخ نیما
- ۱۰..... مشاوره‌های صندوق بین‌المللی پول و تشدید بحران اقتصادی
- ۱۱..... حذف یارانه‌ها و پیامدهای آن
- ۱۲..... پیامدهای قیمت‌گذاری دلاری
- ۱۲..... بورس، تورم و جیب مردم
- ۱۳..... دولتی که از تورم سود می‌برد!
- ۱۵..... کاهش قیمت‌ها با کنترل نرخ ارز
- ۱۵..... نمونه‌ای از کنترل قیمت در کشوری با اقتصاد آزاد
- ۱۶..... چرا با وجود ثروت‌های فراوان، مردم ایران فقیر هستند؟



نه به نئولیبرالیسم

باسمه تعالی

مقدمه

به بحثی مهم در اندیشه‌های حضرت آقا^{علیه السلام} در سال ۱۳۶۶ می‌پردازیم؛ دوره‌ای که ایشان در اوج حمایت از اقتصاد آزاد، در جدالی فکری با طرفداران دولت‌گرایی در اقتصاد، نکته‌ای کلیدی را بیان می‌فرمایند: «اگر حق نظارت و سیاست‌گذاری دولت در امور اقتصادی نادیده گرفته شود و مردم بدون قید و بند به فعالیت اقتصادی بپردازند، یقیناً به طغیان، ظلم و فساد در جامعه منجر خواهد شد و وضعیتی مشابه دنیای سرمایه‌داری پدید می‌آید». این سخن نشان می‌دهد که اسلام، با وجود تأکید بر آزادی فعالیت اقتصادی برای مردم، هرگز قائل به آزادی مطلق نئولیبرالیسمی^۱ که دولت را از اقتصاد حذف می‌کند، نیست.

حضرت آقا^{علیه السلام} در جای دیگری نیز می‌فرمایند: «اگر آزادی فعالیت‌های اقتصادی را اینگونه معنا کنیم که آن کسانی که قدرت فعالیت اقتصادی و مانور اقتصادی دارند، این‌ها آزادند که هرچه خواستند تولید کنند، هر طور خواستند عرضه کنند، هر وقت خواستند توزیع کنند، هر طور خواستند بفروشند، هر طور خواستند مصرف کنند؛ این یقیناً نظر اسلام نیست».

اینطور نیست که اسلام در قبال مسائل اقتصادی هیچ قید و بندی، هیچ راهنمایی و هیچ تنظیمی نداشته باشد. اقتصاد نئولیبرال در تقابل با این رویکرد، مدعی رهاسازی کامل اقتصاد از چنگال دولت است. در این دیدگاه، دولت نه تنها نباید در اقتصاد دخالت کند، بلکه باید از مالکیت و تصرف اموال نیز دست بکشد. پیروان این مکتب اقتصادی معتقدند که دست نامرئی بازار، خود به تنهایی قادر به تنظیم امور اقتصادی و هدایت آن به سمت پیشرفت و رفاه است. در این بحث، به بررسی علل تورم‌های پی‌درپی و تنگی معیشت مردم می‌پردازیم. برخی جریان‌های سیاسی خاص، کاهش ارزش پول ملی، تنگی معیشت مردم و تورم را که به خصوص از سال ۹۷ تشدید شده است، به طور

(۱) به لاتین: Neoliberalism، نظریه‌ایست در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی بر این باور که با گشودن راه برای تحقق آزادی و مهارت‌های فردی در چهارچوب نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می‌توان رفاه انسان را افزایش داد.



نه به نئولیبرالیسم

کامل به تحریم‌ها نسبت می‌دهند و از آن بهره‌برداری می‌کنند. اما سوال اصلی اینجاست که آیا واقعا تحریم‌ها تنها علت این وضعیت هستند یا در کشور ما شاهد سیستم‌های نئولیبرالی نیز هستیم که در این امر نقش دارند؟ بحث ما در مورد تورم در اقتصاد ایران در سه بخش اصلی دنبال می‌شود:

۱. واکاوی ریشه‌های تورم

۲. بررسی تأثیر نفت و ارز بر تورم

۳. ارائه راه‌حل‌های جامع و کاربردی که در سه قسمت آمده است.

ریشه تورم در ایران: نقدینگی یا تقاضای بیش از حد

یکی از مهم‌ترین سوالاتی که در بحث تورم باید به آن پاسخ دهیم، این است که آیا نقدینگی منشا اصلی تورم کنونی در کشور ما است یا خیر؟ جریان نئولیبرال به طور مداوم افزایش نقدینگی را عامل تورم در اقتصاد می‌داند و معتقد است که کسری بودجه دولت منجر به رشد نقدینگی می‌شود. به عبارتی، آنها دولت را به دلیل چاپ پول برای تامین کسری بودجه و به تبع آن ایجاد تورم در کشور مقصر می‌دانند.

تورم جاذبه تقاضا

در علم اقتصاد، نوعی تورم به نام تورم جاذبه تقاضا وجود دارد. این نوع تورم زمانی رخ می‌دهد که تقاضای کل از عرضه کل بیشتر شود. به عبارت دیگر، زمانی که پول زیادی در دست مردم باشد و کالاهای کافی برای خرید وجود نداشته باشد، قیمت‌ها افزایش می‌یابند که به آن پول زیاد رد تعقیب کالای محدود نیز گفته می‌شود. فرض کنید کل کشور ایران به عنوان یک اقتصاد ساده در نظر گرفته شود. در این اقتصاد ساده، سه نفر زندگی می‌کنند و فقط سه سیب و سه سکه وجود دارد. سکه‌ها به طور مساوی بین این سه نفر تقسیم شده و هر کدام صاحب یک سکه هستند. حال، این سه نفر می‌خواهند سیب‌ها را بخرند.

در این شرایط، تعادل در اقتصاد برقرار است. اما اگر در این اقتصاد فرضی ما پول چاپ کنیم و تعداد سکه‌ها به شش عدد افزایش یابد (بدون افزایش تعداد سیب‌ها)، و به هر نفر یک سکه دیگر بدهیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ با توجه



نه به تئولیرالیزم

به اینکه تعداد سیب‌ها ثابت است، اما پول (سکه) در دست افراد دو برابر شده، تقاضا برای خرید سیب نیز افزایش می‌یابد. در این شرایط، هر فرد حاضر است سکه‌های بیشتری را برای خرید سیب بپردازد و در نتیجه، قیمت سیب‌ها افزایش می‌یابد. این مثال ساده، نشان‌دهنده‌ی مکانیزم تورم جاذبه تقاضا است. در این نوع تورم، افزایش تقاضا و عدم تناسب آن با عرضه، عامل اصلی رشد قیمت‌هاست.

رابطه نقدینگی و تورم

شاید این سوال در ذهن شما باشد که آیا هر افزایش نقدینگی در اقتصاد، به طور قطع منجر به تورم می‌شود؟ آیا هر وقت تعداد سکه‌ها (نقدینگی) در یک جامعه افزایش یابد، در هر شرایطی شاهد تورم خواهیم بود؟ پاسخ به این سوال منفی است.

فرض کنید در یک اقتصاد ساده، تعداد سکه‌ها (نقدینگی) افزایش یابد، اما در مقابل، تعداد کالاها نیز به همان نسبت زیاد شود. در این شرایط، افراد تمایل بیشتری به خرید خواهند داشت، اما به دلیل وفور کالا، قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد و رفاه مردم نیز به واسطه قدرت خرید بیشتر، ارتقا می‌یابد. بنابراین، افزایش نقدینگی زمانی که متناسب با رشد کالاها و خدمات در اقتصاد باشد، نه تنها منجر به تورم نمی‌شود، بلکه برای گردش اقتصادی و رونق کسب و کارها نیز ضروری است.

در ادامه، به بررسی نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ در اقتصاد ایران می‌پردازیم تا ببینیم آیا این نسبت در محدوده‌ی مطلوب قرار دارد یا خیر.

نرخ رشد نقدینگی به تولید ناخالص داخلی: مقایسه‌ای جهانی و چالش‌های ایران

در این نمودار، نرخ رشد نقدینگی به تولید ناخالص داخلی نسبت نقدینگی به (GDP) در ایران با سایر نقاط جهان مقایسه شده است. خط سبز بالا نشان‌دهنده میانگین جهانی و خط پایین مربوط به ایران است. همانطور که

(۱) «GDP» مخفف عبارت «Gross Domestic Product» به معنی «تولید ناخالص داخلی» و نشانگر کل ارزش پولی تمام کالاهای نهایی و خدمات تولید شده در یک کشور و در طی یک بازه زمانی (به طور کلی یک سال) است.



نه به تئولیرالیزم

مشاهده می‌شود، نسبت نقدینگی به (GPD) در ایران (۷۴٪) به طور قابل توجهی پایین‌تر از میانگین جهانی (۱۴۳٪) است. این در حالی است که کشورهایمانند ژاپن (۲۸۰٪)، کانادا (۱۲۲٪) و انگلیس (۱۶۰٪)، کره جنوبی (۱۶۵٪)، سوئیس (۱۸۲٪)، چین (۲۱۱٪)، مالزی (۱۳۷٪) نسبت‌های بسیار بالاتری دارند. این اعداد نشان می‌دهند که در مقایسه با سایر کشورها، میزان نقدینگی در دسترس برای فعالان اقتصادی در ایران بسیار محدودتر است؛ از جمله پیامدهای این کمبود، عدم توانایی مردم برای خرید در شب عید، مشکلات نقدینگی برای تولیدکنندگان که مانع از فعالیت و سرمایه‌گذاری آنها می‌شود.

برخی افراد تصور می‌کنند که می‌توان با چاپ پول و توزیع آن بین مردم، مشکل کمبود نقدینگی را حل کرد. اما این کار تنها به تورم منجر خواهد شد. البته این نوع نقدینگی که منجر به هجوم مردم جهت خرید کالا می‌شود، در جامعه کم نیز هست و در درواقع نقدینگی درکل اقتصاد ایران کم است. نکته این است که خلق پول باید در انحصار حاکمیت باشد و توسط بانک مرکزی و با نظارت دقیق انجام شود چراکه پول جزء منابع عمومی کشور است و باید در خدمت منافع عمومی باشد بنابراین خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، ایجاد نابرابری می‌کند.

راز تورم: نقدینگی بالا یا داستانی دیگر

نگاهی به نمودار بیندازیم که نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی و تورم را از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد. ستون‌های قرمز نشان‌دهنده تورم و خطوط آبی، نسبت نقدینگی به (GPD) هستند. می‌بینیم که در این دوره، نسبت نقدینگی تقریباً ثابت بین ۵۰ تا ۶۰ درصد در نوسان بوده است. اما تورم به طور وحشتناکی افزایش یافته است. در دوره بعد ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، شاهد کاهش تورم هستیم. اما اتفاقی عجیب رخ می‌دهد؛ رکورد تاریخی نسبت نقدینگی به (GPD) شکسته می‌شود. به این معنی که از اواسط سال ۱۳۹۶، نقدینگی به شدت افزایش می‌یابد، در حالی که تورم در حال کاهش است. از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، تورم دوباره افزایش می‌یابد، اما نسبت نقدینگی به (GPD) کاهش پیدا می‌کند.

این تناقض آشکار نشان می‌دهد که علت تورم را باید در جای دیگری جستجو کرد. حداقل نمی‌توان افزایش تورم



نه به تئولیرالیزم

را به طور کامل به افزایش نقدینگی در دست مردم نسبت داد. برای اثبات این مدعا، به نمودار دیگری نگاه می‌کنیم که همبستگی نرخ رشد نقدینگی با تورم را در کشور نشان می‌دهد. ضریب همبستگی این دو شاخص منفی ۳۴ است. به طور کلی، اگر ضریب همبستگی بالای ۵۰ باشد، نشان‌دهنده وجود یک رابطه احتمالی بین دو متغیر است. اما در این مورد، نه تنها رابطه مثبتی بین نقدینگی و تورم وجود ندارد، بلکه این رابطه منفی نیز هست. بنابراین، باز هم به این نتیجه می‌رسیم که علت اصلی تورم در این کشور، افزایش نقدینگی نیست. باید به دنبال عوامل دیگری باشیم که در این آشفته‌بازار نقش دارند.

تورم فشار هزینه چیست؟

برخلاف تورم تقاضا که در اثر افزایش تقاضا و پول در دست مردم رخ می‌دهد، تورم فشار هزینه زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های تولید به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد، در حالی که تقاضا برای کالاها ثابت یا حتی در حال کاهش است. فرض کنید برای تولید یک کیلو مرغ به شش سکه نیاز باشد. این هزینه شامل مواردی مانند دانه، نیروی کار، حمل و نقل و... می‌شود. حال اگر به طور ناگهانی قیمت دانه چهار برابر شود، هزینه تولید به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. در این شرایط، تولیدکننده چاره‌ای جز افزایش قیمت مرغ برای جبران هزینه‌های خود ندارد. حتی اگر تقاضا برای مرغ کاهش یابد، به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، قیمت مرغ همچنان بالا باقی می‌ماند.

نقش نرخ ارز در تورم فشار هزینه

افزایش نرخ ارز می‌تواند به طور مستقیم بر قیمت نهاده‌های تولید وارداتی مانند دانه مرغ تأثیر بگذارد. به طوری که نرخ دانه مرغ با دلار ۴۲۰۰ تومان به ارز ۲۸۵۰۰ هزار تومان تغییر کرده است. این امر منجر به افزایش هزینه‌های تولید و در نهایت تورم فشار هزینه می‌شود. افزایش نرخ ارز نه تنها بر قیمت مرغ، بلکه بر قیمت سایر کالاهایی که نهاده‌های تولیدی آنها وارداتی هستند نیز اثر می‌گذارد.

ایران سالانه برای تأمین نهاده‌های تولید خود، به حدود ۴۰ میلیارد دلار واردات نیاز دارد. این نهاده‌ها شامل مواردی مانند دانه مرغ، غذای دام، قطعات خودرو، لوازم خانگی، ماشین‌آلات، مواد اولیه دارو و قطعات الکترونیکی



نه به تئولیرالیسیم

می شود که به آن نهادهای تولید گفته می شود چراکه مواد مورد نیاز برای تولید در داخل کشور هستند. برای خرید این نهادهای، اقتصاد ایران باید ارز تهیه کند. در سال ۱۳۹۶، قیمت هر دلار ۳۴۲۰ تومان بود. در آن سال، برای خرید ۴۰ میلیارد دلار نهاده تولیدی، به ۱۳۶ هزار میلیارد تومان پول نیاز بود. اما در سال ۱۴۰۱، قیمت هر دلار به ۵۰ هزار تومان افزایش یافته است. با این حساب، برای خرید همان ۴۰ میلیارد دلار نهاده، به ۲۰۰۰ میلیارد تومان پول نیاز است. این به معنای افزایش ۱۳۷۰ درصدی نقدینگی مورد نیاز برای تأمین نهادهای تولیدی است. این افزایش شدید قیمت نهادهای تولیدی، به طور مستقیم در قیمت نهایی کالاها و خدمات در ایران اثر می گذارد. به عنوان مثال، اگر قیمت گندم (یکی از نهادهای اصلی تولید نان) به دلیل افزایش نرخ ارز افزایش یابد، قیمت نان نیز به طور قابل توجهی بالا خواهد رفت. یعنی از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۱۴ برابر افزایش قیمت کالاهای پرمصرفی چون غذا، خودرو، لوازم خانگی و ... را داریم. همانطور که مشاهده می شود، نرخ ارز و تورم در ایران رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند. افزایش نرخ ارز، هزینه تولید کالاها را افزایش می دهد و منجر به تورم می شود.

رابطه جهانی نفت و تورم

درست است که افزایش نرخ ارز نقش مهمی در تورم ایران ایفا می کند، اما عامل دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که اغلب نادیده گرفته می شود: «قیمت نفت». تحقیقات صندوق بین المللی پول نشان می دهد که هر ۱۰ درصد افزایش قیمت نفت، به طور متوسط ۰/۴ واحد درصد به نرخ تورم در سراسر جهان اضافه می کند. این موضوع به دلیل تاثیر قیمت نفت بر هزینه تولید طیف گسترده ای از کالاها است. خانم لاگارد رئیس صندوق بین المللی پول و هم اینک رئیس بانک مرکزی اروپاست، می گوید ۵۰ درصد تورم در سراسر اروپا به علت افزایش قیمت نفت است. نفت نقش کلیدی در تولید و حمل و نقل مواد غذایی ایفا می کند. از کود و سم گرفته تا ماشین آلات کشاورزی و سوخت حمل و نقل، نفت در تمام مراحل تولید غذا به کار گرفته می شود. به همین دلیل، افزایش قیمت نفت به طور مستقیم قیمت غذا را در سراسر جهان افزایش می دهد. ذرت یکی از مواد خوراک اصلی مرغ است که با افزایش قیمت نفت، قیمت ذرت در بازارهای جهانی نیز افزایش می یابد. این امر منجر به افزایش قیمت مرغ در ایران می شود، حتی اگر



نه به تئولیرالیسم

قیمت مرغ در داخل کشور ثابت یا حتی کاهش یابد. مطالعات نشان داده‌اند که تا ۶۴ درصد از قیمت غذا تحت تاثیر قیمت نفت است. این موضوع به ویژه برای کشورهای که غذای خود را وارد می‌کنند، مانند ایران، اهمیت زیادی دارد. دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید افزایش قیمت نفت به دلیل اینکه ما صادرکننده و فروشنده آن هستیم باید خبر خوبی باشد اما در ایران نیز رابطه مستقیمی بین قیمت نفت و تورم وجود دارد. هر زمان قیمت نفت افزایش می‌یابد، تورم در ایران نیز به دو دلیل بالا می‌رود:

- افزایش قیمت کالاهای وارداتی: همانطور که توضیح داده شد، افزایش قیمت نفت به طور مستقیم قیمت کالاهای وارداتی مانند گندم، جو، کنجاله سویا، ذرت دامی و... را افزایش می‌دهد.
 - افزایش هزینه‌های تولید داخلی: نفت در تولید و حمل و نقل بسیاری از کالاهای داخلی نیز به کار گرفته می‌شود. افزایش قیمت نفت، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و منجر به تورم می‌شود.
- در دوره اصلاحات (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)، میانگین نرخ تورم در ایران ۱۴/۷۵ درصد بود که در آن زمان، قیمت نفت و ارز پایین بود و همین امر یکی از دلایل اصلی پایین بودن نرخ تورم در آن دوره بود.

دلاری سازی اقتصاد ایران: فاجعه‌ای که تورم را منفجر کرد

تمام این مسائلی که بررسی کردیم مربوط به قبل از سال ۸۶ بود اما بعد از سال ۸۶ فاجعه‌ای به نام دلاری سازی در اقتصاد ایران اتفاق افتاد. اما از سال ۱۳۸۶، دو اتفاق مهم در اقتصاد ایران رخ داد که تاثیر قابل توجهی بر تورم گذاشت:

۱. بمب نفت: دولت وقت به فروش نفت به قیمت جهانی به داخل کشور روی آورد.
 ۲. بمب ارز: قیمت مواد معدنی و پتروشیمی نیز به قیمت جهانی تعیین شد.
- تا سال ۱۳۸۶، نفت به قیمت صفر به پالایشگاه‌ها داده می‌شد و محصولات پالایشگاهی نیز با قیمت‌های یارانه‌ای به مردم عرضه می‌شد، اما با دلاری سازی قیمت نفت، قیمت حامل‌های انرژی به طور قابل توجهی افزایش یافت که باعث افزایش هزینه تولید در بسیاری از بخش‌ها، و منجر به تورم شد. مواد معدنی و پتروشیمی نیز که تا آن زمان با قیمت‌های یارانه‌ای به صنایع داخلی عرضه می‌شدند، از سال ۱۳۸۶ به قیمت جهانی فروخته شدند که این امر هزینه تولید در بسیاری از صنایع را افزایش داد و قیمت کالاهای نهایی را بالا برد.



نه به تئولیرالیسم

دلاری سازی: تله‌ای که تورم را دوچندان کرد

تا اینجا با تاثیرات دلاری سازی اقتصاد ایران بر تورم آشنا شدیم. اما سوالی مهم مطرح می‌شود: چگونه می‌توان محصولات را که به قیمت جهانی فروخته می‌شوند را به مردم داخل کشور با قیمت ریال عرضه کرد؟ برای حل این مشکل، نرخ تاثیر به کار گرفته می‌شود. نرخ تاثیر، نرخ تبدیل دلار به ریال است؛ به عنوان مثال، اگر قیمت نفت ۸۰ دلار شد، در داخل ۸۰ را ضرب در دلار می‌کنیم.

اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. در بهمن سال ۱۳۸۶، بورس کالای ایران تاسیس شد که با تاسیس این بورس، محصولات پتروشیمی و فولادی نیز بر اساس قیمت جهانی و با نرخ تاثیر به داخل کشور عرضه می‌شدند. فرقی نمی‌کرد که این مواد اولیه در داخل کشور تولید شوند یا از خارج وارد شوند. قیمت نهایی آنها، تحت تاثیر قیمت‌های جهانی و نرخ ارز قرار می‌گرفت. دلاری سازی و استفاده از نرخ تاثیر، تاثیر قابل توجهی بر تولید داخلی گذاشت و از آن زمان به بعد، قیمت مواد اولیه برای بسیاری از بخش‌های تولیدی، به قیمت جهانی و با نرخ تاثیر تعیین می‌شد.

تفاوت قبل و بعد از دلاری سازی

قبل از دلاری سازی، افزایش قیمت نفت و نرخ ارز، فقط بر قیمت کالاهای وارداتی تاثیر می‌گذاشت. اما بعد از دلاری سازی، قیمت تمام کالاهای و خدماتی که در داخل کشور تولید می‌شدند، به قیمت‌های جهانی و نرخ ارز وابسته شد. متأسفانه برخی از پیام‌رسان‌های خارجی نقش تعیین کننده‌ای در قیمت دلار ایفا می‌کنند. این کانال‌ها نه دلاری می‌خرند و نه می‌فروشند و هیچ راه ارتباطی با مردم ندارند، فقط اعداد و ارقامی را منتشر می‌کنند که بر بازار ارز تاثیر می‌گذارند. یکی از نمونه‌های این سوءاستفاده، شرکت‌های مس هستند. این شرکت‌ها قیمت مس در بورس فلزات لندن (LME)^۱ را مبنای قیمت گذاری قرار می‌دهند و صبح هر روز، قیمت مس در (LME) را به نرخ دلاری که در کانال‌های تلگرامی منتشر می‌شود، ضرب می‌کنند و به عنوان قیمت نهایی به مشتریان داخلی می‌فروشند.

۱. London Metal Exchange بورس فلزات لندن



نه به تئولیراليسم

نکته قابل توجه اینجاست که این شرکت‌ها، چه محصول خود را به داخل کشور بفروشند و چه برای صادرات عرضه کنند، از نرخ ثابتی (مثلاً ۴۵ تومان) برای دلار استفاده می‌کنند. به این ترتیب، هر چقدر قیمت دلار در بازار آزاد (که تحت تاثیر کانال‌های تلگرامی است) افزایش یابد، سود این شرکت‌ها نیز بیشتر می‌شود.

تورم افسار گسیخته: نتیجه سوءمدیریت و رانت‌خواری

افزایش قیمت جهانی نفت، علاوه بر گرانی کالاهای وارداتی، قیمت محصولات پتروشیمی و فولاد را هم به واسطه نرخ ارز بالا می‌برد و این موضوع، تورم را تشدید می‌کند. گویی شاهد یک انفجار اتمی در اقتصاد ایران از سال ۹۷ به بعد هستیم.

دلار، ریشه اصلی تورم؟

متأسفانه، در حال حاضر شاهد یک چرخه معیوب در اقتصاد کشور هستیم. جمهوری اسلامی، مواد اولیه‌ای مثل نفت، گاز و سنگ آهن را به شرکت‌های پتروشیمی و فولاد می‌دهد و این شرکت‌ها پس از تبدیل این مواد به فرآورده، دو اقدام انجام می‌دهند:

۱. این موارد را به نرخ دلار روز به قیمت جهانی می‌گیرند و بعد با دلارهای تلگرامی (که قیمتی غیر واقعی دارند) ضرب می‌کنند و به تولیدکنندگان داخلی (که در ادامه به یکی از آنها اشاره می‌کنم) می‌فروشند.
۲. این شرکت‌ها، عمده صادرکنندگان غیرنفتی کشور هم هستند. از ۴۹ میلیارد دلار صادرات سال ۱۴۰۰، سهم ۳۹ میلیارد دلاری آن متعلق به این شرکت‌هاست. ضمن اینکه واردات ۴۰ میلیارد دلاری قطعات لوازم خانگی، غذای دام و طیور نیز توسط همین شرکت‌ها انجام می‌شود پس از گرانی دلار سود مضاعف می‌برند.

تحولات مهم ارزی و تاثیر آن بر سود شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی

از سال ۱۳۹۷ به بعد، تحولات مهمی در حوزه نرخ ارز رخ داد که بر سود شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی تاثیر بسزایی گذاشت. در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت آمریکا از برجام خارج شد و در ۲۹ مهر ۱۳۹۷، دولت روحانی نرخ جدیدی برای دلاری که در محاسبات قیمت محصولات پتروشیمی و پالایشی به



نه به تئولیراليسم

کار می‌رفت، تعیین کرد.

تا سال ۱۳۸۶، قیمت‌گذاری محصولات پالایشی و پتروشیمی در ایران به صورت ریالی انجام می‌شد؛ به این معنا که دولت، مواد اولیه را به قیمت ریال به این شرکت‌ها می‌فروخت و آنها نیز محصولات خود را با قیمت ریال به مشتریان عرضه می‌کردند و از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷، قیمت‌گذاری این محصولات به صورت دلاری انجام می‌شد. اما با توجه به اینکه از دلار رسمی کشور (که نرخ آن توسط دولت تعیین می‌شد) در محاسبات استفاده می‌شد، افزایش قیمت چشمگیری در نرخ نهایی این محصولات مشاهده نشد.

نقطه عطف: سال ۱۳۹۷ و نرخ نیما^۱

در سال ۱۳۹۷ با مصوبه دولت روحانی، نرخ نیما به عنوان مبنای محاسبات قیمتی محصولات پتروشیمی و پالایشی در نظر گرفته شد. نرخ نیمایی در آن زمان ۱۲۰۰۰ تومان بود و در حال حاضر به ۲۸۵۰۰ تومان رسیده است. همانطور که در صورت‌های مالی پالایشگاه نفت اصفهان مشاهده می‌شود، هر ۱٪ افزایش نرخ ارز، ۱٪ به سود ناخالص این شرکت‌ها می‌افزاید. به این معنا که اگر قیمت دلار از ۴۲۰۰ تومان به ۱۲۹۰۰ تومان (۳۰۰٪ افزایش) برسد، سود این پالایشگاه‌ها که محصولات خود را به نرخ دلاری به داخل کشور می‌فروشدند، ۳۰۰٪ افزایش خواهد یافت.

مشاوره‌های صندوق بین‌المللی پول و تشدید بحران اقتصادی

در سال ۱۳۹۸، در ادامه همان سیاست‌های قبلی، صندوق بین‌المللی پول به ایران آمد و مدعی شد که قصد دارد در زمینه اصلاحات ساختاری بودجه و «جنگ اقتصادی» به مسئولان دولتی مشورت بدهد. برای درک بهتر این موضوع، به تشبیهی توجه کنید: فرض کنید در زمان جنگ تحمیلی، هیئتی از ناتو (اتلاف نظامی غرب به رهبری آمریکا) به ایران بیاید و در مورد نحوه مقابله با صدام حسین به ما مشاوره دهد. کارشناسان صندوق بین‌المللی پول با ارائه یک سند اصلاح ساختاری بودجه، خواستار حذف یارانه‌ها در بخش‌های مختلف از جمله بنزین، کالای

(۱) ارز نیمایی یا همان دلار نیمایی در سامانه الکترونیکی یکپارچه ارز کشور توسط بانک مرکزی برای تامین ارز مورد نیاز واردات و صادرات توزیع می‌شود.



نه به تئولیرالیزم

اساسی، بیمه سلامت، کشاورزی و تولید شدند. آنها برای توجیه این پیشنهاد، مفهومی به نام «یارانه پنهان» را مطرح کردند؛ به عنوان مثال، در مورد بنزین، با توجه به قیمت پایین آن در ایران در آن زمان (۱۰۰۰ تومان) و قیمت یورو (۲۰۰۰۰ تومان)، مدعی شدند که دولت با هر لیتر بنزین ۱۹۰۰۰ تومان یارانه پنهان پرداخت می‌کند.

منتقدان این طرح، استدلال می‌کردند که این مبالغ یارانه محسوب نمی‌شوند، بلکه ضرورتی برای زندگی مردم هستند. آنها همچنین عنوان می‌کردند که چرا فقط قیمت بنزین را با یورو محاسبه می‌کنند، درحالی‌که حقوق کارگران نیز به نرخ ارز نیست. در اروپا زندگی و درآمد به یورو محاسبه می‌شود، پس قیمت گذاری به یورو کار درستی است؛ درحالی‌که در ایران کارگران به ریال حقوق دریافت می‌کنند.

حذف یارانه‌ها و پیامدهای آن

با وجود مخالفت‌ها، در نهایت یارانه پنهان برای محصولات پتروشیمی، فولاد و سایر موارد حذف شد و در آبان ۱۳۹۸ قیمت بنزین و گازوئیل نیز به طور قابل توجهی افزایش یافت. این اقدامات، منجر به ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده در سراسر کشور شد که از آن سال به طور مداوم با تورم روبرو بوده‌ایم. برای درک بهتر عمق این بحران، به مثالی از صنعت خودرو می‌پردازیم:

- ۶۵٪ مواد تشکیل دهنده خودرو ورق آهن است. قیمت ورق آهن از سال ۱۳۹۶ تاکنون ۱۱ برابر شده است. دلیل این امر، قیمت گذاری ورق آهن بر اساس نرخ جهانی در بورس فلزات لندن و ضرب آن در نرخ دلار آزاد است.
- ۷٪ مواد تشکیل دهنده خودرو آلومینیوم است. قیمت آلومینیوم نیز در همین مدت ۱۰ برابر شده است.
- ۶٪ مواد تشکیل دهنده خودرو لاستیک است. قیمت لاستیک هم ۱۳ برابر افزایش یافته است.

نتیجه این افزایش قیمت‌ها چه بود؟

- قیمت پژو پارس ۵/۴ برابر شد. این افزایش قیمت به دلیل قیمت گذاری دولتی برای کارخانه و قیمت گذاری دیگری بر اساس نرخ دلار در بازار آزاد است.
- به طور کلی، قیمت تمام مواد اولیه تولید خودرو نزدیک به ۱۱ برابر شد، درحالی‌که قیمت دلار ۱۰ برابر افزایش یافت.



نه به تئولیرالیزم

علت اصلی، قیمت گذاری دلاری و جهانی این مواد بود؛ در حالی که تمام این مواد (ورق آهن، مس، آلومینیوم، لاستیک، چدن و سرب) در داخل کشور تولید می شوند، اما به نرخ جهانی و با دلار به داخل کشور فروخته می شوند.

پیامدهای قیمت گذاری دلاری

- خودروسازان که پیش از این سودده بودند، به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه و قیمت گذاری ریالی خودرو، متحمل ضرر شده اند.

- در مقابل، سود خالص شرکت های فولادی، پالایشی و پتروشیمی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تقریباً ۱۰ برابر شده است. دلیل این امر، افزایش سود آنها با هر بار افزایش قیمت دلار است.

خودروسازان اعتراضی داشتند تحت عنوان اینکه می خواهند خودرو هایشان را ولو ناکارآمد، مانند صنایع پتروشیمی به قیمت دلار عرضه کنند. خودرو یک مثال بود اما لوازم خانگی و بسیاری از محصولات نیز به همین مشکل دچار هستند و با افزایش مواد اولیه ده برابری مجبور به افزایش قیمت های خود هستند.

سود ۲۰ شرکت بزرگ در سال ۹۶ مجموعاً ۳۵۰۰۰ میلیارد تومان بود و در سال ۱۴۰۰ به دلیل افزایش قیمت دلار و قیمت گذاری های جدید به ۳۸۵۰۰۰ میلیارد تومان هم رسید. این روش قیمت گذاری، ریشه اصلی تورم در ایران است و نه نقدینگی و نه تحریم ها. بطری آب معدنی، مصالح ساختمانی و همه چیزهایی که مردم از آنها استفاده می کنند به دلیل قیمت گذاری دلاری مواد اولیه، با افزایش قیمت روبرو هستند. رشد ۱۰۰ درصدی مصالح، رشد قیمت مسکن را در پی داشت و به همین ترتیب قیمت دلار در تمامی اجزای زندگی موثر و تاثیر گذار بود.

بورس، تورم و جیب مردم

یکی از مشکلاتی که شاید برخی از شما هم با آن مواجه باشید، این است که برخی شرکت ها بخشی از سهام خود را به مردم می فروشند. فرض کنید شما در بورس سهم دارید. (آمار نشان می دهد حدود ۳۷ میلیون نفر در بورس، سهمی کمتر از ۲۰۰ میلیون تومان دارند.) این شرکت ها همان هایی هستند که در بورس حضور دارند. با افزایش قیمت ارز، ارزش سهام این شرکت ها بالا می رود و در نتیجه سود آنها نیز افزایش می یابد. از طرفی، گران



نه به تئولیر الیسم

شدن ارز باعث افزایش قیمت تمام کالاهایی می شود که این شرکت ها به کشور می فروشند (مانند آلومینیوم، مس، چدن، لاستیک، پلاستیک و...) این موضوع، تورم را به وجود می آورد و در عین حال، ارزش سهام این شرکت ها را نیز افزایش می دهد.

در این میان، سهامداران خرد که حدود ۴ میلیون از مردم هستند (مثلاً کسی که ۱۰۰ یا ۵۰ میلیون تومان در بورس سرمایه گذاری کرده) نیز از این افزایش قیمت سود می برند و به نوعی از افزایش قیمت ارز جهت سود خودشان از بورس خوشحال می شوند و به نوعی با دولت هم داستان می شوند؛ اما در واقع با سود ناچیزی از بورس، سفره مردم بسیار کوچک می شود؛ چراکه قیمت دلار و نفت روی همه اقلام مصرفی ما تاثیر می گذارد. قیمت همه چیز از جمله غذا، مسکن و خودرو بالا می رود، در حالی که سودی که سهامدار خرد به دست می آورد، ناچیز است (مثلاً ۲۰۰۰ تومان).

دولتی که از تورم سود می برد!

قرار بود دولت نیز از این آشفته بازار سود ببرد و با گران شدن ارز، درآمد حاصل از صادرات نفت و سایر کالاها افزایش یابد و با سود حاصل از آن، مسئله مشکلات کشور و مردم حل شود؛ اما کسری نیز پیدا کرد؛ چراکه دولت به عنوان بزرگترین مصرف کننده در کشور، متحمل بیشترین ضرر و زیان ناشی از تورم می شود. حاکمیت باید بر تمام ارز حاصل از صادرات، چه نفتی و چه غیرنفتی، نظارت کامل داشته باشد. صادرکنندگان، اعم از پتروشیمی، فولاد و سایرین، حق ندارند ارز حاصل از صادرات خود را به طور مستقل در بازار بفروشند. آنها موظفند ارز خود را در سامانه به قیمتی که توسط دولت تعیین می شود، عرضه کنند.

دلیل اصلی حذف نرخ ۴۲۰۰ تومان، سوءاستفاده گسترده پتروشیمی ها و فولادی ها از این رانت بود. این شرکت ها پس از صادرات محصولات خود، ارز حاصل را در بازار آزاد به نرخ های بالا به فروش می رساندند و در داخل کشور مواد اولیه را با نرخ ارز ترجیحی (۴۲۰۰ تومان) خریداری می کردند. این امر به سودهای هنگفت و غیرقابل توجیه برای این شرکت ها منجر می شد و در مقابل، به ضرر مردم و بیت المال بود.

دولت برای تامین دلار ۴۲۰۰ تومانی واردات مجبور به تامین دلار ۲۳۰۰۰ تومانی از پتروشیمی بود که



نه به تنولیرالسیسم

مابه تفاوت این مسئله را خود دولت تامین می کرد؛ اما نهایتاً برای حل این مشکل، چاره‌ای جز حذف نرخ ۴۲۰۰ تومان نداشت. با وجود اینکه حذف این نرخ در کوتاه مدت باعث افزایش قیمت برخی کالاها شد، اما در بلندمدت، از رانت خواری و فساد در این بخش جلوگیری کرد.

اگر تحریم‌ها واقعا اثرگذار بودند، باید روی درآمد و واردات ما تاثیر می گذاشتند. اما آمار نشان می دهد که صادرات ما همیشه بیشتر از واردات بوده است.

نگاهی به تراز بازرگانی کشورمان:

• سال ۹۱: ۲۳ میلیارد تومان

• سال‌های بعد: ۳۱، ۲۳، ۱۲، ۲۱، ۲۳، ۳۳، ۷، ۴، ۱۶ میلیارد تومان

همانطور که دیده می شود، تراز بازرگانی به شدت مثبت است. این یعنی در کشور مشکلی از نظر ارز نیست و تحریم‌ها باعث نشده که کمبود ارز وجود داشته باشد.

در سال ۱۳۷۴ که قیمت ارز به شدت افزایش یافت و همه چیز گران شد، جریان تنولیرال مدعی شد که علت اصلی تورم و گرانی ارز، نقدینگی است. آنها معتقد بودند که دولت باید به دنبال کنترل نقدینگی باشد. اما در مقابل، عده‌ای دیگر معتقد بودند که ریشه تورم، افزایش قیمت ارز است. آنها می گفتند که شرکت‌ها ارز را با قیمت بالا می فروشند و این موضوع باعث تورم می شود. در آن زمان، آقای روحانی که دبیر شورای امنیت بود، نظری عجیب داشت. ایشان معتقد بودند که علت تورم، افزایش جمعیت است! دولت وقت به جای اینکه ریشه اصلی مشکل را حل کند، تسلیم شد و نرخ ارز را در بازار آزاد به ۷۰۰ تومان افزایش داد؛ همچنین، به جای اینکه قیمت ارز صادراتی را به نرخ واقعی بازار آزاد (۷۰۰ تومان) برساند، قیمت آن را ۳۰۰ تومان تعیین کرد و به صادرکنندگان دستور داد که ارز خود را به این قیمت به دولت بفروشند. وزارت اطلاعات نیز موظف شد با قاچاق ارز مقابله کند.

اما این سیاست‌ها نه تنها مشکلی را حل نکرد، بلکه مشکلات جدیدی نیز به وجود آورد. صادرکنندگان از فروش ارز به دولت به قیمت ۳۰۰ تومان خودداری می کردند و آن را در بازار آزاد به قیمت بالاتر می فروختند. دولت برای



نه به تثلیث الیسم

حل این مشکل، لیستی از کالاهای مورد نیاز کشور را تهیه کرد و به صادرکنندگان اجازه داد که فقط در ازای واردات این کالاها، ارز خود را به قیمت ۳۰۰ تومان به دولت بفروشند و نرخ گذاری کالاهای صادراتی انجام شد؛ یعنی الان اگر ۱ گرم فولاد صادر می کنید و فولاد در دنیا n دلار است پس باید n دلار به داخل کشور برگردانید. این سیاست جدید باعث شد که قیمت ها به طور قابل توجهی کاهش یابد.

کاهش قیمت ها با کنترل نرخ ارز

روزنامه همشهری در گزارشی به کاهش قیمت ها در سال ۱۳۷۴ اشاره می کند که پس از کنترل نرخ ارز و قیچی شدن بال های دلار اتفاق افتاد. این یکی از محدود دوره هایی در تاریخ اقتصاد ایران بود که شاهد کاهش قیمت ها در تمامی اقلام بودیم؛ برای مثال برنج داخلی و خارجی ۳۰٪ ارزان تر شد؛ قیمت خودرو، لباسشویی، تلویزیون، لوازم یدکی خودرو و همه چیز کاهش یافت؛ قیمت سکه نیز افت کرد؛ قیمت تخم مرغ از شانه ای ۳۹۰ تومان به ۲۸۰ تومان رسید؛ قیمت گوشت مرغ از کیلویی ۳۹۵ تومان به ۳۳۰ تومان و حتی کمتر کاهش پیدا کرد. در نهایت این پرسش مطرح می شود که اگر نقدینگی عامل اصلی تورم است، چگونه با کاهش قیمت ارز از ۷۰۰ تومان به ۳۰۰ تومان، همه چیز ارزان شد. در مقابل این شواهد، مدافعان اقتصاد آزاد، سیاست های کنترل قیمت را رد می کنند و معتقدند که باید بازار آزاد حاکم باشد.

نمونه ای از کنترل قیمت در کشوری با اقتصاد آزاد

جالب است که بدانید در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷) حتی در کشوری مثل آمریکا که مانند ایران درگیر جنگ اقتصادی و جنگ جهانی دوم در خاکش نبود، برای مقابله با تورم، سیستم کنترل قیمت اعمال شد. ر در آن زمان، دولت آمریکا برای هر کالایی، از جمله یک فنجان قهوه تا بستنی و ساندویچ، قیمت تعیین کرد. این سیاست توسط دفتر کنترل قیمت به ریاست «جان کنت گالبرایت»^۱ اجرا می شد. همانطور که قابل حدس است، اتاق

۱. جان کنت گالبرایت (به انگلیسی: John Kenneth Galbraith) (زاده ۱۵ اکتبر ۱۹۰۸ در انتاریو، کانادا - درگذشته ۲۹ آوریل ۲۰۰۶ در کمبریج، ماساچوست) اقتصاددان، سیاست مدار و دیپلمات آمریکایی کانادایی بود.



نه به تئولیرالیزم

بازرگانی آمریکا که ذی‌نفع تورم بود و با این سیاست مخالف بود. اما با ادامه یافتن این سیاست، اتاق بازرگانی تعدادی از اقتصاددان‌های طرفدار اقتصاد آزاد را گرد هم آورد و با پرداخت پول به آنها، انجمنی برای ترویج ایده‌های خود و مخالفت با کنترل قیمت‌ها تأسیس کرد.

چرا با وجود ثروت‌های فراوان، مردم ایران فقیر هستند؟

پاسخ این سوال ریشه‌ای در نحوه قیمت‌گذاری محصولات فولادی و پتروشیمی دارد. مشکل اینجاست که قیمت این محصولات به جای ریال، با دلار و بر اساس نرخ‌های جهانی تعیین می‌شود. کلام آخر، همین فرمایش مقام معظم رهبری است که می‌فرماید: «ارزش دلار در زندگی اقتصادی باید شکسته شود». شکستن ارزش دلار در معادلات اقتصادی ایران، گامی ضروری برای رهایی از مشکلات عدیده اقتصادی است. تحقق واقعی اقتصاد مقاومتی، رهایی کشور از قید و بند ترفندهای پولی و مالی دشمنان، و به تبع آن، شکستن ابهت و سلطه دلار در مبادلات داخلی، نه تنها نجات‌بخش اقتصاد ایران خواهد بود، بلکه الگویی الهام‌بخش برای سایر کشورهای درگیر با چالش‌های مشابه نیز به شمار می‌رود.

ریشه اصلی معضلات اقتصادی و تورم افسارگسیخته در کشور ما، نه تحریم‌های ظالمانه و نه حجم نقدینگی، بلکه پدیده شوم «جهانی‌سازی» و «دلاریزه شدن قیمت‌ها» در ایران است. عدم اعمال اقتدار حاکمیت بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات، زمینه‌ساز این معضل شده است. راه حل نجات، نه در سازش ذلت‌بار با آمریکا و نه در سیاست‌های انقباضی و افزایش بی‌رویه نرخ بهره نهفته، بلکه در شکستن ارزش دلار و قیمت‌گذاری منصفانه آن، و در نهایت، تخصیص این ارز به نیازهای اولویت‌دار کشور خلاصه می‌شود.

همواره در مواجهه با این مباحث، عده‌ای با طرح شبهه افکنی، ارزان شدن ارز را عامل افزایش قاچاق عنوان می‌کنند. این ادعا کذب محض است. ریشه قاچاق نه در ارزان‌ی کالا در ایران، که در گرانی افسارگسیخته دلار نهفته است. همانطور که واضح است، انگیزه اصلی قاچاق، سود حاصل از فروش کالای یارانه‌ای با قیمت آزاد در بازارهای خارجی است. با استقرار یک سیستم جامع نظارت و کنترل دقیق، می‌توان به طور موثر از این پدیده شوم جلوگیری



نه به تئولیر الیسم

کرد. نمونه بارز این امر، ایالات متحده آمریکا با وسعت عظیم خود است که توانسته قیمت یک فنجان قهوه را در سراسر کشور به طور یکسان تعیین کند. تناقض عجیبی در این میان وجود دارد. در حالی که قیمت هر ویال انسولین در آمریکا ۹۴ دلار و در کانادای هم‌مرز با این کشور تنها ۱۲ دلار است، شاهد قاچاق گسترده این دارو به کانادا نیستیم. دلیل این امر، اعمال حاکمیت و اقتدار دولت کانادا در تعیین قیمت و نظارت بر توزیع آن است.

برخی با طرح بهانه‌هایی مانند جلوگیری از قاچاق، خواهان افزایش قیمت کالاهای یارانه‌ای هستند. این در حالی است که تمامی کشورهای دنیا با قاچاق کالا به نوعی دست به گریبان هستند و این موضوع نمی‌تواند توجیهی برای افزایش قیمت‌ها و ایجاد فشار مضاعف بر اقشار ضعیف جامعه باشد. همانطور که در مورد نان، با توزیع کارت‌های هوشمند، نظارت بر میزان مصرف هر فرد امکان‌پذیر شده است، می‌توان با اعمال تمهیدات مشابه، جلوی قاچاق اقلامی مانند فولاد، محصولات پتروشیمی و سوخت را نیز گرفت. طرح اینگونه مسائل که گویا رصد و کنترل توزیع این اقلام راهی دشوار یا غیرقابل اجراست، نه تنها کمکی به حل معضل قاچاق نمی‌کند، بلکه زمینه را برای سوءاستفاده و تضییع حقوق مردم فراهم می‌کند.

همانطور که می‌دانید، تراز بازرگانی ما مثبت است و مشکلی از نظر کمبود ارز وجود ندارد. ریشه اصلی گرانی‌ها و تورم افسارگسیخته، نه تحریم‌ها، بلکه فروش دلاری و جهانی فولاد و پتروشیمی است. مواد اولیه لوازم خانگی مانند ورق آهن، مواد پلاستیکی، و همچنین لوازم خانگی مانند لباسشویی و یخچال، همگی از محصولات فولادی و پتروشیمی هستند. بنابراین، راه‌حلی از این معضلات، اعمال اقتدار و نظارت دقیق بر قیمت‌گذاری این اقلام است. در حال حاضر، به عنوان یک اولویت ملی، باید به احیای اقتدار تحلیل رفته دولت اهتمام ورزید؛ همانطور که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام فرمودند. آگاهی مردم و جلب مشارکت آن‌ها در مبارزه با فساد، گامی ضروری در این مسیر است. تازمانی که مردم نسبت به ریشه مشکلات و راه‌حل‌های موجود آگاه نشوند، هیچ اقدامی به ثمر نخواهد نشست.



مقام معظم رهبری دام ظلّه:

«اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد...»

(دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۵/۰۶/۲۸)

ریشه اصلی معضلات اقتصادی و تورم افسارگسیخته در کشور ما، نه تحریم‌های ظالمانه و نه حجم نقدینگی، بلکه پدیده شوم «جهانی‌سازی» و «دلاریزه شدن قیمت‌ها» در ایران است. عدم اعمال اقتدار حاکمیت بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات، زمینه‌ساز این معضل شده است. راه‌حل نجات، نه در سازش ذلت‌بار با آمریکا و نه در سیاست‌های انقباضی و افزایش بی‌رویه نرخ بهره نهفته، بلکه در شکستن ارزش دلار و قیمت‌گذاری منصفانه آن، و در نهایت، تخصیص این ارز به نیازهای اولویت‌دار کشور خلاصه می‌شود...